

China's Role in the Post-Corona System; Entering the Third Stage of the Power Cycle

Hamid Ahmadinejad ¹

Abstract

In 2019, the world was faced with the outbreak of a pandemic that few thought at first would turn into a global crisis. With the name Covid-19, this disease had such an influence capacity that some people talk about the world before and after it. Because although it started as a medical crisis and then progressed to a social crisis, it finally showed itself as a global threat with geopolitical effects. Therefore, studying the relationship between this disease and the structure of the international system highlights the importance of conducting this research. Thus, this research, focusing on the hegemonic capabilities of China as the primary challenger to America's supremacy, raises the question; China's increasing influence in the post-corona system is based on what kind of scenario and can Beijing enter the phase of replacing the hegemon? The results of the research based on the mixed approach (qualitative and quantitative) and in the framework of scenario-planning showed that more than being a turning point in the direction of the change of hegemony, the corona virus, as an accelerating element, brought China into the third stage of the power cycle, which is the delegitimization of American hegemony.

Keywords: Corona crisis, post-corona order, China's rising, American hegemony, scenario-planning.

8

Vol. 4
winter 2023

Research Paper

Received:
3 May 2023
Accepted:
15 October 2023
P.P: 49-74



1. Postdoctoral Researcher of International Relations, Khwarazmi University, Tehran, Iran.
Email:ahmadinejad@khu.ac.ir



بازگیری چین در نظام پسا کرونا؛ ورود به مرحله سوم چرخه قدرت

حمید احمدی نژاد^۱

چکیده

سال ۲۰۱۹ دنیا شاهد شیوع یک پاندمی بود که کمتر کسی در ابتدا گمان می کرد قرار است به یک بحران جهانی تبدیل شود. این بیماری با نام کووید-۱۹ از چنان ظرفیت تاثیرگذاری برخوردار شد که برخی از دنیای پیش و پس از آن سخن به میان می آورند. چرا که اگرچه به صورت یک بحران پزشکی شروع و سپس به یک بحران اجتماعی ارتقاء یافت، اما در نهایت خود را در قامت یک تهدید جهانی با تاثیرات ژئوپلیتیکی نشان داد. لذا مطالعه‌ی مربوط به رابطه‌ی بین این بیماری و ساختار نظام بین‌الملل اهمیت انجام این پژوهش را برجسته می نماید. از این رو، این پژوهش با تمرکز بر قابلیت‌های هژمون شدن چین به عنوان اصلی‌ترین چالش‌گر برتری آمریکا، این سؤال را طرح می کند که؛ افزایش نفوذ چین در نظام پسا کرونا مبتنی بر چه نوع سناریوی است و آیا پکن می تواند به مرحله‌ی جایگزینی با هژمون ورود کند؟. نتایج تحقیق براساس رویکرد تلفیقی (کیفی و کمی) و درچارچوب سناریوپردازی نشان داد کرونا بیشتر از آن که نقطه‌ی عطفی در جهت تغییر هژمون باشد، به عنوان عنصری تسریع کننده چین را وارد مرحله‌ی سوم چرخه‌ی قدرت یعنی مشروعیت‌زدایی از هژمونی آمریکا کرد.

کلیدواژه‌ها: بحران کرونا، نظم پسا کرونا، خیزش چین، هژمونی آمریکا، سناریوپردازی

۱. پژوهشگر پسادکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

مقدمه

شیوع پاندمی کرونا ویروس در سال ۲۰۱۹ تنها حوزه سلامت جامعه‌ی جهانی را متأثر نساخت. از این منظر برخی این بحران را یک عنصر شگفتی‌ساز نامیده و حتی آن را نقطه‌ی عطفی برای تقسیم‌بندی جهان به پیش و پس از آن تعریف کرده‌اند، لذا سخن گفتن از جهان پسا کرونا و به طور خاص تر نظام بین‌الملل پسا کرونا نیز چندان عجیب و بیهوده نخواهد بود. در حداقل‌ترین شکل ممکن قطعاً گریزی از تأثیرگذاری این بحران بر سطوح قدرت، سیاست و امنیت نظام بین‌الملل نیست. بر همین اساس می‌توان گفت بحران کوید-۱۹ خود را در قالب متغیری تسریع‌کننده نشان داده و احتمالاً اگر اغراق نباشد مهم‌ترین موضوعی که در عرصه‌ی سیاست جهانی تحت تأثیر آن در بین متخصصان روابط بین‌الملل مورد بحث قرار گرفته، پیامدهای این همه‌گیری بر نظم بین‌المللی است. بدین معنا که این پاندمی مجموعه‌ای از روندهای جهانی از پیش موجود را تسریع بخشیده که در میان آنها افزایش رقابت ایالات متحده به عنوان هژمون نظام جهانی و چین به عنوان کاندیدای چالش‌گر این هژمونی بیشتر از همه‌ی دیگر روندها برجسته شده است. لذا یکی از فرض‌های بدیهی مورد اتفاق بسیاری از محققان روابط بین‌الملل تأکید بر نقش تعیین‌کننده‌ی جایگاه چین و آمریکا در شکل‌دهی به ساختار نظام آینده است. در این راستا، هدف این مقاله آن است که نشان دهد در نظام جهانی پسا کرونا از بین وجوه سه‌گانه‌ی محتمل (Probable)، باورپذیر (Plausible) و مطلوب (Preferable)، افزایش نفوذ چین به عنوان بزرگ‌ترین چالش‌گر هژمونی ایالات متحده آمریکا کدام سناریو خواهد بود. سناریونویسی در این مقاله مبتنی بر رویکرد اکتشافی است که در آن با تمرکز بر این که «چه چیزی ممکن است رخ دهد؟»، به بررسی و تبیین فرآیندها پرداخته می‌شود. بنابراین از میان سه وجه سینتاکتیک^۱، سمانتیک^۲ و پراگماتیک^۳، تحقیق حاضر بر وجه پراگماتیکس یعنی بر شکل آینده از منظر مطالعات آینده‌پژوهانه تأکید دارد.

1. syntactics
2. semantics
3. pragmatic

پیشینه پژوهش

در باب نوآوری و تمایز این پژوهش با تحقیقات انجام شده باید گفت که اولاً غالب تألیفات انجام شده تحلیل‌های کوتاه نظریه‌پردازان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و مبتنی بر مفاهیم کلی نظریات است و دوماً اغلب مقالات علمی که نیز تاکنون تألیف گردیده نتایج‌شان حاصل رجوع به نخبگان علمی نبوده است. در نتیجه در این مقاله تلاش شده با انطباق عناصر تحول سیکل قدرت در نظام جهانی و براساس داده‌های کمی موضوع نقش چین در نام پسا کرونا مورد تحلیل قرار گیرد. برخی از آثار مرتبط با کلیت پژوهش عبارتند از؛

کریستنسن^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای کوتاه با عنوان «یک تراژدی مدرن؟ کووید-۱۹ و روابط آمریکا و چین^۲»، بحران کرونا را به عنوان یک تراژدی بالقوه در روابط ایالات متحده و چین و یک فاجعه برای جهان قلمداد می‌کند.

گورتوف^۳ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «کرونا ویروس و روابط چین و ایالات متحده آمریکا^۴» بر این نکته تأکید می‌کند که روابط آینده این دو کشور در قالبی تحت عنوان همزیستی رقابتی خواهد بود. نوع نگاه نویسنده به آینده احتمالی روابط دو کشور با توجه به روند دلایلی که مطرح می‌کند در قالبی باورپذیر شکل گرفته و این یکی از نقاط قوت این تحلیل است.

آکالپ^۵ (۲۰۲۰) در تحلیل «کووید-۱۹ و روابط بین‌الملل^۶» معتقد است بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ یک بحران در مقیاس جهانی است و در این مواقع بحران تمایل دارد که تئوری‌های سیاسی را به سختی آزمایش کند. از این زاویه آکالپ معتقد است از آنجا که کرونا ویروس به هیچ منطقه خاصی تعلق ندارد و همه کشورها را درگیر کرده یادآور «زمینه اصلی» یعنی جنگ جهانی اول است که تئوری‌های غالب روابط بین‌الملل در آن دوره تحکیم یافت.

-
1. Christensen
 2. A modern tragedy? COVID-19 and US-China relations
 3. Gurtov
 4. The Coronavirus and China-U.S. Relations
 5. Akalp
 6. COVID-19 and International Relations

روش پژوهش

این تحقیق براساس هدف بنیادی و از منظر ماهیت داده‌ها آمیخته یعنی مبتنی بر دو رویکرد کیفی و کمی می‌باشد. بنابراین روش گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی خواهد بود. در بُعد توصیفی به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن پرداخته خواهد شد. در بُعد پیمایشی نیز براساس یک پرسشنامه و سپس رجوع به نظر نخبگان (روش دلفی) تلاش خواهد شد براساس روندهای در زمان حال شکل سناریوها از میان سه نوع محتمل، مطلوب و باورپذیر استخراج گردد. در این مسیر تحلیل کیفی، تحلیل تاریخی، شواهد تجربی و نظرات اندیشمندان روابط بین‌الملل مبنای تبیین و توصیف سناریو خواهد بود.

چشم‌انداز نظری: سیکل تاریخی رهبری ساختار

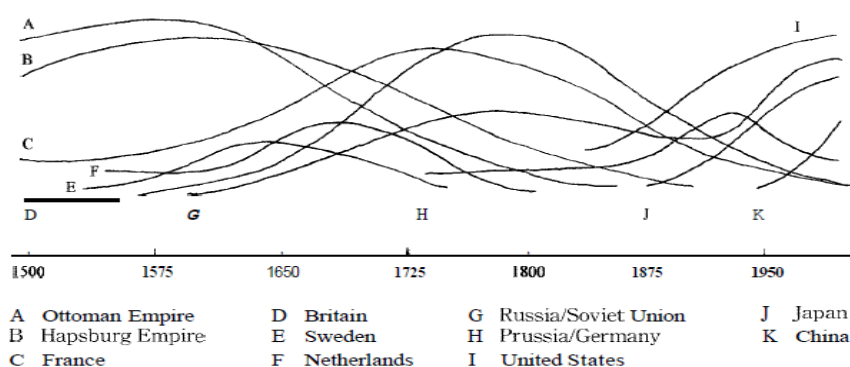
تئوری چرخه‌ی قدرت^۱ بیانگر مقایسه‌ی بازیگران براساس قدرت نسبی آنها با ارجاع به قابلیت‌های مادی‌یشان است (Kissane, 2005: 108). چارلز دوران^۲ به عنوان مبدع این نظریه‌ی معتقد است همه‌ی دولت‌ها واجد یک چرخه‌ی قدرت نسبی در سیستم جهانی و منطقه‌ای هستند (Doran, 2003: 14). یکی از اهداف دولت‌هایی که در مسیر چرخه‌ی قدرت قرار می‌گیرند همگون‌سازی قدرت، منافع و نقش آنها در سیستم است (Kohout, 2003: 59). براساس این تئوری که بیشتر بر محور مسائل نظامی تکیه دارد (Kissane, 2008: 4)، همواره یک دولت به عنوان قدرت جهانی نظام بین‌الملل وجود دارد که مسئول ایجاد نظم و ثبات است. در این نظریه هر چرخه‌ی قدرت از چهار مرحله زمانی عبور می‌کند. در مرحله اول یعنی پایان جنگ جهانی، یک دولت قدرتمند ظاهر و در نتیجه به قدرت جهانی جدید تبدیل می‌شود. شکل‌گیری قدرت جهانی، ورود به فاز دوم چرخه قدرت است. در طول این مرحله، نظام بین‌الملل نسبتاً پایدار است و هیچ چالشی برای قدرت جهانی وجود ندارد. پس از این، جهان وارد فاز سوم یعنی مشروعیت‌زدایی^۳ می‌گردد. در این مرحله همان‌طور که قدرت‌های در حال رشد در سیستم قوی‌تر می‌شوند، تقاضا برای تأمین امنیت بین‌المللی به وسیله‌ی قدرت جهانی کاهش می‌یابد و با تلاقی این قدرت و

1. Power Cycle Theory

2. Charles Doran

3. delegitimation

قدرت‌های درحال‌ظهور، این چرخه در نهایت وارد فاز چهارم یعنی تمرکززدایی^۱ می‌شود. در مرحله تمرکززدایی، قدرت‌های درحال‌ظهور^۲ به برابری قدرت با قدرت جهانی می‌رسند و در نهایت، یک یا چند قدرت درحال‌ظهور به عنوان رقیب قدرت جهانی ظاهر می‌شود (Ivie, 2016: 5-6). شکل زیر پویایی ساختار و تغییر قدرت‌های جهانی از سال ۱۵۰۰ تا به هژمونی رسیدن ایالات متحده در ۱۹۴۵ را نشان می‌دهد؛



شکل ۱. دینامیسم تغییر و جایگاه قدرت‌های جهانی در سیستم از ۱۹۴۵-۱۵۰۰

Source: (Doran, 2000: 333)

باتوجه به شکل بالا می‌توان گفت چرخه‌ی قدرت یک الگو مبتنی بر قاعده‌ی گذار و این واقعیت است که دنیای مدرن با توالی قدرت‌هایی روبرو بوده که رهبری را در عرصه جهانی به عهده داشته‌اند. مدل‌سکی^۳ از چهار قدرت که به معنای واقعی نظم جهانی را ایجاد کرده‌اند به نام می‌برد. اولین قدرت پرتغال از ۱۵۱۷-۱۴۹۴ بود. این کشور یکی از بزرگ‌ترین و اولین امپراتوری جهانی بود که در آمریکای شمالی و جنوبی، آفریقا و مناطق مختلف آسیا و اقیانوسیه حضور داشت (Stoynov, 2018: 60). پس از آن سال ۱۶۰۹ آغاز عصر طلایی هلند بود (Ivie, 2016: 12)، که نهایتاً در سال ۱۶۸۰ این نظم فروپاشید. پس از هلند، معاهده اوترخت^۴ در سال ۱۷۱۳ منجر به پایان جنگ‌های لوئی چهاردهم و آغاز اولین چرخه قدرت جهانی بریتانیا شد که تا اعماق قرن هیجدهم گسترش پیدا کرد (Ivie, 2016: 21). قدرت دریایی، حفظ موازنه قوا در اروپا، تجارت مرکانتیلیستی و

1. Deconcentration
2. The rising powers
3. George Modelski
4. Treaty of Utrecht

سیاست استعماری مشخصات اصلی اولین سیستم جهانی بریتانیایی شد (Modelski, 1987: 84). دومین چرخه قدرت جهانی بریتانیا در سال ۱۸۱۵ آغاز و نابودی اروپا در طول جنگ جهانی دوم پایان آن بود. این جنگ، نقطه عطفی برای برقراری برتری آمریکا بود. چرا که پس از آن آمریکایی‌ها نظام جدیدی از روابط بین‌الملل، اعم از اقتصادی و سیاسی ایجاد و خود را به عنوان هدایت‌کننده آن معرفی کردند (Sapolsky, 2017: 184-185). با استقرار این نظام جدید و پایان جنگ سرد، برتری عملی آمریکا نسبت به رقبای باقیمانده خود بسیار زیاد شد (Walt, 2018: 18). به این ترتیب، ایالات متحده هژمونی بی‌رقیب خود را از آن زمان تاکنون گسترش داده است.

۱. تقابل چینی - آمریکایی در پسا کرونا

بازیگرانی مانند کوبا، ایران، روسیه و ونزوئلا به‌طور سنتی به عنوان دشمن ایالات متحده و منافع آن، برچسب خورده‌اند (Simons, 2020: 21). اما در این میان دهه‌هاست که توجه ویژه بر روی چین و تلاش این کشور برای به چالش کشیدن هژمونی آمریکا قرار گرفته است. در واقع با ورود به عصر پسا جنگ سرد، آمریکا در موقعیت قدرت برتر و چین در جایگاه قدرت در حال رشد قرار گرفت و از آن زمان تاکنون، همه‌ی شاخص‌ها نشانگر رقابت و رویارویی این دو کشور بوده است. در ادامه‌ی این رقابت، طی دهه‌ی گذشته بی‌اعتمادی متقابل به یکی از وجوه بارز روابط این دو کشور تبدیل شده است. به عنوان مثال، استراتژی امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۷ و استراتژی دفاع ملی آن در سال ۲۰۱۸ چین را رقیب اصلی استراتژیک این کشور دانسته است. به همین منوال در پاسخ، چین در سند دفاعی ۲۰۱۹ خود موسوم به کتاب سفید سیاست‌های یک‌جانبه‌ی آمریکا را زمینه‌ی افزایش رقابت استراتژیک بین‌المللی تلقی کرده است (Tze Em, 2020: 95). این تصویرسازی در اسناد کلان دفاعی و امنیتی دو کشور باعث افزایش سوظن متقابل شده است. به واقع، روند تبدیل چین به یک قدرت بزرگ به موازات تفاوت‌های ایدئولوژیک باعث تصور پکن به عنوان دشمنی برای هژمونی ایالات متحده از سوی رهبران این کشور شده است. لذا می‌توان گفت حتی قبل از ظهور کووید-۱۹، عوامل ژئوپلیتیکی آمریکا و چین را از هم جدا کرده بود و این تا حدی همان منطق غیرقابل انکار ژئوپلیتیک یا تله توسیدید^۲

1. White Paper
2. Thucydides's trap

مدنظر گراهام آلیسون^۱ است که به موجب آن یک قدرت در حال رشد در پی به چالش کشیدن و در نهایت جایگزینی با هدایت کننده نظم موجود است (Thompson, 2021: 88).

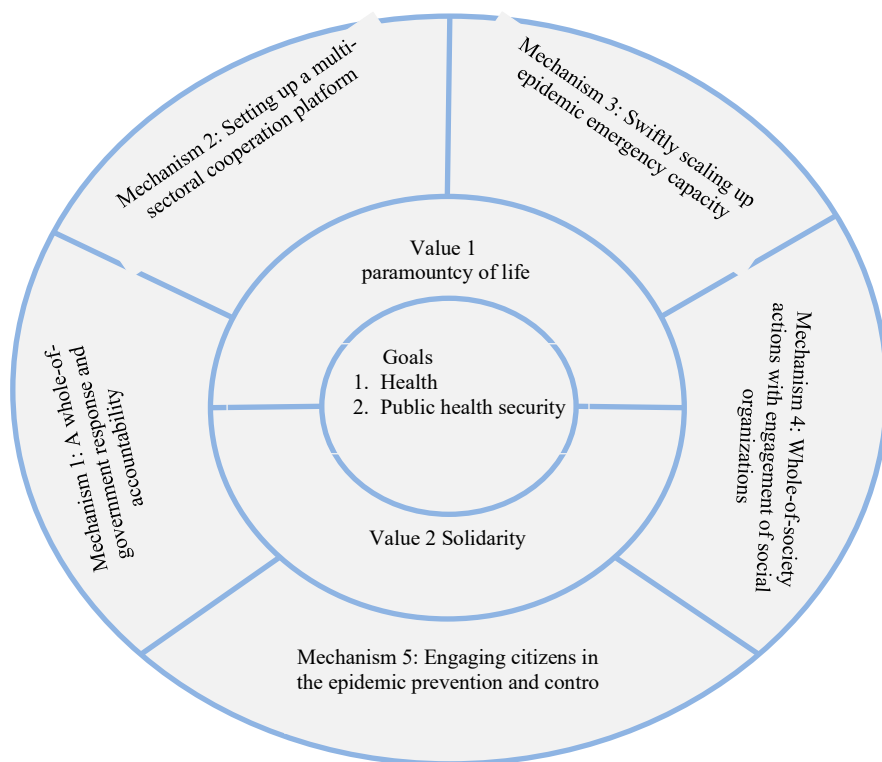
در این میان، شیوع کووید مجدداً رقابت استراتژیک این دو کشور را احیاء و روابط آنها را به نقطه‌ی عطف تاریخی کشاند. بنابراین در حالی که جامعه جهانی نیاز مبرمی به رهبری داشت، آنچه دنیا شاهد آن بود اختلافات بین این دو قدرت بزرگ بود که به جای همکاری، بر سرزنش یکدیگر متمرکز شدند و لذا به‌طور غیرمعمولی شاهد جایگزینی عقلانیت با تهییج احساسات در میان آنها بودیم (Wang, 2020). لذا همان‌طور که جفری گرت^۲ از تسلط آمریکا و چین بر دنیا به عنوان G2 نام می‌برد و معتقد است آنچه G2 با هم، مستقل یا در تضاد انجام می‌دهند، تا حد بسیار زیادی نظم بین‌المللی را تعریف می‌کند (Bahi, 2021: 78)، باید گفت آنچه که دنیا شاهد آن است غلبه‌ی تضاد بین این دو کشور در تعریف این نظم می‌باشد. چرا که چین بجای نظم جهانی، معتقد به نظم بین‌المللی، یعنی نظمی بدون رهبری ایالات متحده است (Basu, 2020: 160). این تمایز بین نظم جهانی و نظم بین‌المللی از سوی چین، باعث شده تا رقابت دو کشور مبتنی بر تضادهای عمیقی باشد که با همه‌گیری ویروس کرونا تشدید شد، در نتیجه بنظر می‌رسد که تقابل ژئوپلیتیکی بین آنها در جهان پس از کرونا نیز ادامه خواهد شد (Moon, Jeong & Gardner, 2021: 291). چرا که این همه‌گیری تهدید انتزاعی چین را به یک تهدید واقعی برای آمریکا تبدیل کرد و براساس همین تصور تهدید جو بایدن در مصاحبه‌ای درباره واکنش جهانی به کووید اظهار داشت که اکنون جهان در حال الگوگیری از چین است (Duggan & Grabowski, 2021: 84).

خلاصه آن که کووید-۱۹ در مقطع حساسی که واگرایی هنجاری بین چین و آمریکا در حال برجسته شدن بود، با ایجاد کاهش در حُسن‌نیت مردم دو کشور نسبت به یکدیگر، روابط اقتصادی-تجاری، همکاری در تحصیل و مهاجرت و نهایتاً کاهش اعتماد استراتژیک بر روابط آنها سایه افکند (Yuan, 2020: 16). به عبارتی این بحران از یک سو با ایجاد جذابیت مدل چینی در مهار کرونا و دامن زدن به احساسات ناسیونالیستی و از سوی دیگر با عزم دولت آمریکا مبنی بر مهار پکن ترکیب ناگواری برای روابط دو کشور بود. ترکیبی که جایگاه شاهین‌ها در چین و آمریکا را تقویت کرد. لذا می‌توان گفت نظم پساکرونا شاهد سخت‌تر شدن عزم سیاسی پکن در کسب جایگاه بالاتر و در مقابل سیاست مهار آن از سوی آمریکا خواهد بود.

1. Graham Allison
2. Geoffrey Garrett

۲. چین و مدیریت بحران کرونا

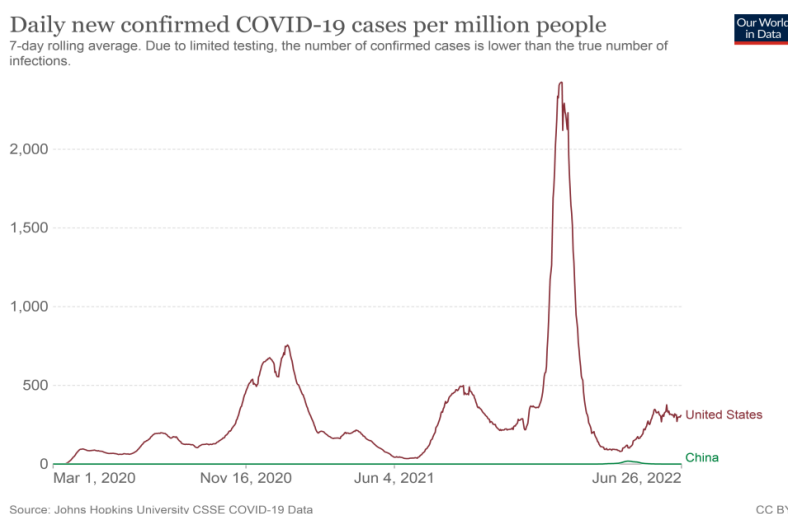
در حالی که بسیاری در اوایل شیوع کرونا معتقد بودند احتمالاً حفاظت از شهرت و اقتدار شی جین پینگ^۱ و حزب کمونیست بر حمایت از مردم اولویت دارد، ولی رهبر این کشور با اولویت دادن به سلامت و زندگی مردم کنترل اپیدمی را آزمون بزرگی برای نظام و ظرفیت حاکمیت خود تلقی کرد. در نتیجه او با تعریف اصول و تعیین هدف کلی، یک مکانیسم استراتژیک ایجاد کرد. اصول این مکانیسم شامل افزایش اعتماد، تقویت اتحاد، تضمین کنترل و درمان مبتنی بر علم و هدف کلی نیز پیروزی بر کرونا بود. شکل زیر ساختار این مکانیسم استراتژیک چین را نشان می‌دهد؛



شکل ۲. مدل چین در مدیریت بحران کرونا
Source: (Ning, Ren & Nkengurutse, 2020: 2)

1. Xi Jinping

بر پایه‌ی این استراتژی درست زمانی که موارد کرونا در اروپا و آمریکا افزایش یافت، چین با تک رقمی شدن تعداد رسمی موارد جدید، پیروزی خود را بر این ویروس اعلام کرد. در نتیجه، پکن سیلی از پیام‌های عمومی، توثی‌ها و مقالات تبلیغاتی در زبان‌های مختلف برای برجسته کردن دستاوردها و تأکید بر اثربخشی مدل حکمرانی خود راه انداخت و توانست تا حدی خلاء رهبری جهانی در مبارزه با کرونا را پر کرد (Connolly, 2020: 17). در همین ارتباط پرونو ماچائس^۱ سیاستمدار پرتغالی و از اعضای موسسه هادسون^۲ معتقد بود «امیدوارترین خبرها در مورد توانایی برای شکست کرونا از جهان کنفوسیوسی مخابره شد» (Maçães, 2020). در واقع چین به عنوان فاتح از این بحران جهانی سر برآورد و بدین صورت نارسایی هژمونی ایالات متحده را به طرز دردناکی آشکار نمود (Tocci, 2020: 106). چرا که آمریکا به عنوان ثروتمندترین و پیشرفته‌ترین کشور جهان، نهایتاً در کنترل این بیماری همه‌گیر به عنوان یک مورد شکست خورده در تاریخ ثبت شد (Bhalla, 2021: 13). نمودار زیر موارد تأیید شده‌ی در چین و آمریکا که حاکی از تفاوت فاحش دو کشور است را نشان می‌دهد؛



شکل ۳. نمودار موارد تأیید شده در آمریکا و چین

Source: (Our World in Data)

جدول زیر نیز نمایان‌گر برخی از تفاوت‌های دو کشور در واکنش به کرونا است؛

1. Bruno Maçães
2. Hudson Institute

جدول ۱. مقایسه اقدامات چین و آمریکا در مدیریت بحران کرونا

آمریکا	چین	اقدامات
-	*	واکنش سریع
*	*	تشخیص و درمان رایگان
-	*	بهره‌گیری از تجارب قبلی
-	*	استفاده از القای ترس
-	*	استفاده از امکانات تلفن همراه
-	*	تعیین جریمه
*	*	استفاده از نیروی نظامی

منبع: یافته‌های پژوهش

البته بسیاری موفقیت چین در مهار کرونا را ناشی از سیستم اقتدارگرایانه‌ی این کشور می‌دانند، اما این تنها بخشی از استراتژی موفقیت این کشور بود. بدان دلیل که اولویت دادن به برنامه ملی سلامت با توجه به درس‌هایی که پکن از ویروس سارس گرفته بود بخش بزرگ‌تری از موفقیت چینی‌ها محسوب می‌شد. ماحصل این موفقیت را می‌توان در کلام ریچارد ماود^۱ مشاهده کرد که؛ «شما ممکن است ما و اقتدارگرایی‌مان را دوست نداشته باشید، اما ما در جایی موفق می‌شویم که دیگران شکست می‌خورند». برخی از مفسران معتقدند این روایت پکن مورد توجه قرار گرفت و در نتیجه چین با افزایش نفوذ جهانی خود از این همه‌گیری خارج شد در حالی که آمریکا دچار تنزل جایگاه گردید (Maude, 2020).

۳. پیشران‌های موثر بر سناریو

در این پژوهش، پیشران‌ها با استفاده از تکنیک مثلث‌سازی^۲ یعنی به کارگیری روش‌های متنوع استخراج شدند. یک روش مطالعات اسنادی و روش دیگر شامل یک مصاحبه نیمه‌ساختمند^۴ بود. در نهایت نتایج این دو روش در قالب یک پرسشنامه ذیل چهار پیشران و مبتنی بر ۳۵ کلان روند در معرض ۳۰ نفر از اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی قرار گرفت تا به هر کدام از آنها امتیاز

۱. [Richard Maude] برای آشنایی با وی به <http://www.ndm.ox.ac.uk/team/richard-maude> مراجعه شود.

2. authoritarianism
3. Triangulation
4. Semi structured interview

بدهند. از میان کلان روندهای مطرح شده ۲۰ مورد آنها از نظر پاسخ‌گویان عناصر مؤثر در تدوین سناریو بودند که در جدول ذیل قابل مشاهده می‌باشند؛

جدول ۲. عناصر مؤثر بر سناریو

پیشران‌ها	کلان روندها
نظامی	بیشینه‌شدن قدرت نظامی چین از آمریکا
	وقوع جنگ بین چین و آمریکا
	وقوع جنگ جهانی
	درگیری نظامی چین با همسایگان
	درگیری آمریکا با قدرت‌های مانند روسیه
اقتصادی	جایگزینی اقتصاد چین
	جنگ تجاری چین و آمریکا
	همگرایی اقتصادی چین و آمریکا
	بحران در نظام سرمایه‌داری
	بحران در اقتصاد چین
سیاسی	رواج اقتدارگرایی
	تشدید جهانی‌شدن
	گسست جهانی‌شدن
	تعامل حداکثری چین با نظم لیبرال
	بحران در روابط چین با لیبرال - دموکراسی
محیطی	رواج جهان‌وطن‌گرایی
	اجماع جهانی برای اصلاح سازمان‌های بین‌المللی
	بحران غیرقابل پیش‌بینی (بیماری جهانی، جنگ، بحران اقتصادی و...)
	فروپاشی برخی از نهادهای جهانی
	ائتلاف جهانی علیه هژمونی آمریکا

منبع: یافته‌های پژوهش

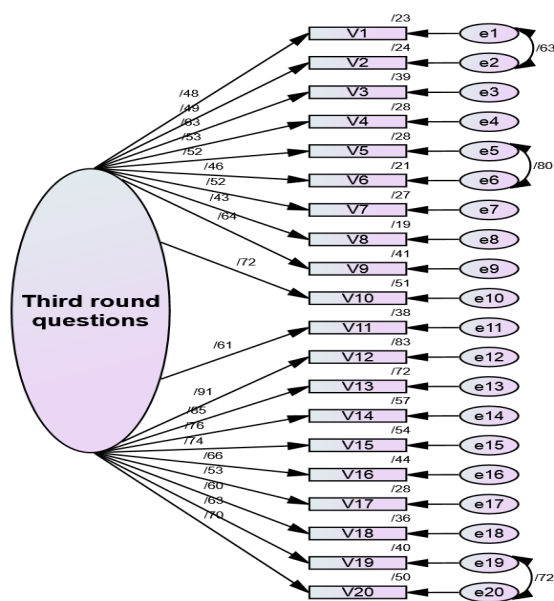
۴. تنظیم سناریو

برای تنظیم سناریو، یک پرسشنامه با مقیاس لیکرت^۱ مبتنی بر عناصر پیشران طراحی شد. پرسشنامه قبل از نهایی شدن به صورت پیش‌آزمون اجرا شد. جدول زیر میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه را نشان می‌دهد؛

جدول ۳. میزان آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد گویه	میزان آلفا
کل پرسشنامه	۲۰	۰/۹۸۹

همچنین شکل زیر نشانگر نتایج تحلیل عاملی تأییدی سوالات پژوهش در دور سوم (رسیدن جامعه آماری به اجماع) است؛



شکل ۴. نمودار الگوی تحلیل عاملی تأییدی

نمودار بالا نشان می‌دهد که مقدار بارهای عاملی تقریباً در همه سوالات بالاتر از ۰/۵۰ و با توجه به سطح معنی‌داری ($sig < 0/05$) می‌توان نتیجه گرفت که گویه‌ها به خوبی داده‌ها را

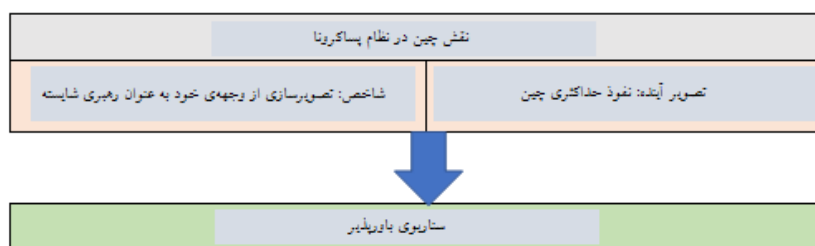
1. Likert scale

می‌سنجد. لذا پس از تأیید روایی و پایایی، پرسشنامه در اختیار نخبگانی که با نمونه‌گیری هدفمند به تعداد ۱۰ نفر انتخاب شده بودند قرار گرفت. در مرحله بعد، پاسخ‌های نخبگان جمع‌آوری و نظرات آنها مورد ارزیابی قرار گرفت. طی راندهای اول و دوم پاسخ‌دهندگان نسبت به سؤالات دارای اختلاف نظر بودند، اما در فاز سوم پس از تحلیل نتایج مشخص شد پاسخ‌دهندگان درباره‌ی همه‌ی سؤالات به اجماع رسیده و از نظر آنها افزایش نفوذ چین در نظم آینده از میان سه نوع باورپذیر، محتمل و مطلوب؛ یک سناریوی باورپذیر خواهد بود. جدول زیر روند سه دور پرسشنامه برای ایجاد هماهنگی در میان جامعه آماری را نشان می‌دهد؛

جدول ۴. ضریب هماهنگی کندال در سه دور دلفی

متغیر	ضریب کندال	سطح معنی‌داری
دور اول	۰/۴۸۲**	۰/۰۰۸
دور دوم	۰/۵۶۲**	۰/۰۰۰
دور سوم	۰/۷۲۷**	۰/۰۰۰

در مرحله آخر با توجه به داده‌های حاصل، پیرنگ داستان یا آن چه که اتفاق می‌افتد، توضیح و وضعیت کنونی به وضعیت نهایی مرتبط شد. برای شرح پیرنگ باید نامی انتخاب و از آنجا که نام‌ها القاء‌کننده‌ی سناریوها هستند در نتیجه براساس یک شاخص اصلی این سناریو اژدهای خندان نامیده شد.



شکل ۵. سناریوی نفوذ چین در نظم پسا کرونا

منبع: طرح استنتاجی از نویسنده

۵. طرح و تبیین سناریو: گسترش نفوذ اژدهای خندان

تفکر سنتی چین شامل یک چشم‌انداز استراتژیک برای حکومت بر جهان و حول کسب تدریجی موقعیت‌ها می‌چرخد (Office of the Secretary of State, 2020: 33). مبتنی بر این چشم‌انداز از زمان دنگ شیائوپینگ^۱ به بعد عصر جدیدی برای چین در جهت تغییر نظم بین‌المللی بود (Saha, 2020: 2-3). از این زمان چین اشتیاق خود اگر نگوئیم برای جایگزینی، اما برای اصلاح سیستم بین‌المللی را در سر می‌پروراند. در این میان همه‌گیری کووید-۱۹ به وضوح آنچه را که قبلاً جنگ سرد دوم میان آمریکا و چین بر سر این اصلاح نظم نامیده می‌شد را تشدید کرد (Thompson, 2021: 92). چرا که عملکرد چین در بحران کرونا، این کشور را به عنوان قوی‌ترین نامزد احیای نظم بین‌الملل و ناجی جهان معرفی کرد (Farooq & Khan, 2020; 29&42). به‌واقع کووید-۱۹ با آشکارسازی آسیب‌پذیری‌های هژمونی آمریکا و توانایی‌های چین برای به چالش کشیدن این هژمونی، مولود ظهور چین با اعتماد به نفس تر و تهاجمی‌تر برای ایفای نقش رهبری جهانی بود. بر مبنای تکنیک ترتیب‌توالی زمانی، محرک‌های پکن در به چالش کشیدن هژمونی آمریکا از گذشته تا دوره‌ی کرونا عبارتند از؛

۵-۱. طرح‌ها و ابتکارات جهانی

از دهه‌ی ۱۹۹۰ به بعد، به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران رفتار پکن نسبت به نظم غالب جهانی دارای زاویه بوده است (جدول ۵).

جدول ۵. رفتار چین در قبال ارکان نظم بین‌الملل

شواهد	رکن فرعی
نگرش: شدیداً مشکوک؛ آن را تهدید و مجرای برای مهار چین تلقی می‌کند منافع همسو با نظم: پیچیده؛ عموماً اتحادهای آمریکا را سیاست مهار می‌داند سطح عمومی حمایت: ضعیف جدی گرفتن مجموعه قواعد: نامعلوم خط سیر: منفی به معنی کاهش تساهل نسبت به نقش نظامی آمریکا	هژمونی آمریکا
منافع همسو با نظم: ضعیف تا متوسط سطح عمومی حمایت: متوسط جدی گرفتن مجموعه قواعد: ضعیف خط سیر: منفی در راستای اقتدارگرایی داخل و به چالش کشیدن نظم خارج	نظم لیبرال جهانی

Source: (Mazarr, Heath & Cevallos, 2018: 62)

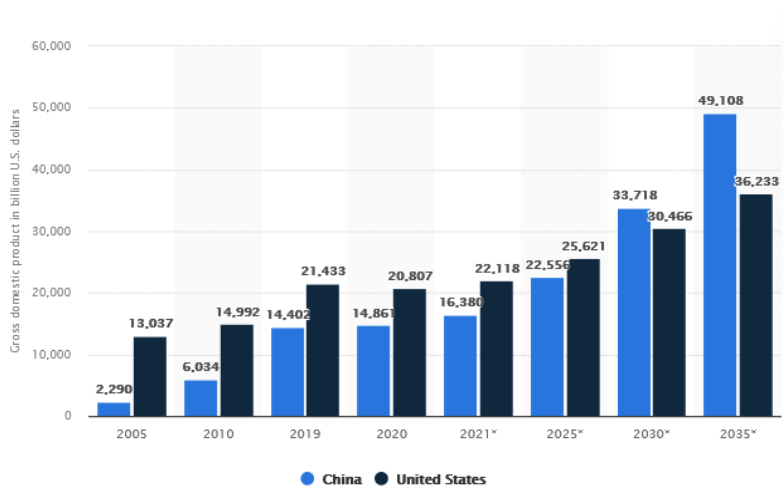
1. Deng Xiaoping

طرح‌های جهانی مهمترین شاخص عینی این اختلاف چین با نظم مسلط است. برجسته‌ترین این طرح‌ها برای نظم‌آفرینی نوین را نیز می‌توان در اجماع پکن ۱ دید. جاشوا کوپر ۲ به عنوان مبدع این واژه، آن را چالشی جدی برای اجماع واشنگتن تلقی و معتقد است این امر ظهور چین نه تنها برای توسعه، بلکه برای انطباق با نظم بین‌الملل به گونه‌ای واقعاً مستقل است (ترکی و قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۹۸: ۱۴۰). اجماع پکن، شامل ورود صلح‌محور، ترویج مدارا، سازش با دموکراسی، ترویج فرهنگ کنفوسیوسی و نقد جزمیت غرب است. پس از اجماع پکن، نقطه شروع واقعی خیزش چین از دل طرح‌ها علیه نظم جهانی به قدرت رسیدن شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۳ بود. از این زمان به بعد پکن مجموعه‌ای از اصلاحات و ابتکاراتی را آغاز کرد که برای سوق دادن چین به آینده طراحی شد. یکی از این طرح‌ها، پروژه بلندپروازانه‌ی «ابتکار کمربند و جاده»^۳ است که در سال ۲۰۱۳ راه‌اندازی شد. این پروژه در ظاهر یک طرح زیرساختی با دسترسی بین‌المللی، اما در واقع پروژه‌ای برای ترویج شکل جدیدی از جهانی‌شدن است. به‌واقع چین برای تبدیل شدن به هژمونی و یا قدرتی هم‌تراز ایالات متحده باید برای کشورهای همسایه و آسیا پدیری کند و ابتکار کمربند و جاده محمل این پدرسالارسازی پکن است. طرح دیگر چین در راستای حرکت به سمت هژمون شدن برنامه کشتی‌سازی نیروی دریایی می‌باشد که بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ اجرا شد. این طرح باعث شد تا تعداد کشتی‌هایی که چین روانه دریا کرده از مجموع تعداد کشتی‌های نیروی دریایی آلمان، هند، اسپانیا و بریتانیا بیشتر باشد و این امر زمینه‌ی کنترل آبراه‌های مهم در سواحل چین را فراهم و به ایجاد زنجیره‌ای از پایگاه‌ها و امکانات لجستیکی کمک می‌کند. سال ۲۰۱۷ نقطه‌ی عطف طرح ابتکارات برای قدرت‌یابی چین محسوب می‌گردد. چرا که در این سال شی جین با تأکید بر این که دوران جدیدی آغاز شده که در آن چین باید صحنه اصلی را در جهان به دست گیرد، با ارائه چشم‌انداز آینده اعلام کرد تا ۲۰۳۰ چین به یک کشور پیشرو و تا ۲۰۵۰ به کشوری با نفوذ جهانی باید تبدیل شود. مجموع این طرح‌ها باعث شد تا در سال ۲۰۱۷ استراتژی امنیت ملی آمریکا چین را قدرتی تجدیدنظرطلب بنامد که به دنبال تغییر نظام بین‌الملل است (Gaub & Boswinkel, 2020: 7).

1. Beijing Consensus
2. Joshua Cooper Ramo
3. Belt and Road Initiative

۲-۵. تولید ناخالص داخلی

بسیاری از محققان یکی از شاخص‌های مهمی که براساس آن تبدیل چین به رهبر نظم آینده را تصور می‌کنند تولید ناخالص داخلی است. به عنوان مثال الیور استانکل^۱ با تاکید بر این که تولید ناخالص داخلی بهترین مُعرف تغییر قدرت می‌باشد، معتقد است چین در دهه‌های آتی به‌طور متوسط رشد خواهد کرد و انتظار می‌رود که قدرت اقتصادی گسترده‌ی خود را به قدرت نظامی تبدیل کند (Hussain, 2021: 6). چیزی که قدرت اقتصادی چین را بیشتر از قبل حساس کرد این بود که پکن موقعیت خود را از نظر اقتصادی در بحبوحه همه‌گیری ویروس کرونا، تثبیت و تقویت کرد و این مسیر در دنیای پسا کرونا قطعاً شدت بیشتری خواهد گرفت. سرمایه‌گذاری‌ها عظیم جهانی، تبدیل شدن به بزرگترین صادرکننده کالا در جهان از سال ۲۰۰۹، ظهور به عنوان بزرگ‌ترین کشور تجاری جهان از سال ۲۰۱۳، تبدیل شدن به دومین واردکننده بزرگ جهان و در نهایت در اختیار داشتن دومین سهم از کل ثروت جهان (Malindog-Uy, 2020)، باعث شده تا به اتفاق همه‌ی محققان بر رشد اقتصادی چین (شکل ۶) به عنوان مهمترین عامل در ظرفیت‌سازی این کشور برای تقابل با هژمونی ایالات متحده تمرکز کنند. تقریباً همه‌ی پیش‌بینی‌ها (شکل ۷) نیز حکایت از آن دارد که در یک دهه‌ی آتی باید منتظر جابجایی این دو کشور در زمینه‌ی اقتصادی باشیم.



شکل ۶. تولید ناخالص داخلی چین و آمریکا از ۲۰۰۵ تا پیش‌بینی ۲۰۳۰

1. Oliver Stunkel

Source: (statista, 2022)



شکل ۷. تخمین تولید ناخالص داخلی چین در مقایسه با آمریکا

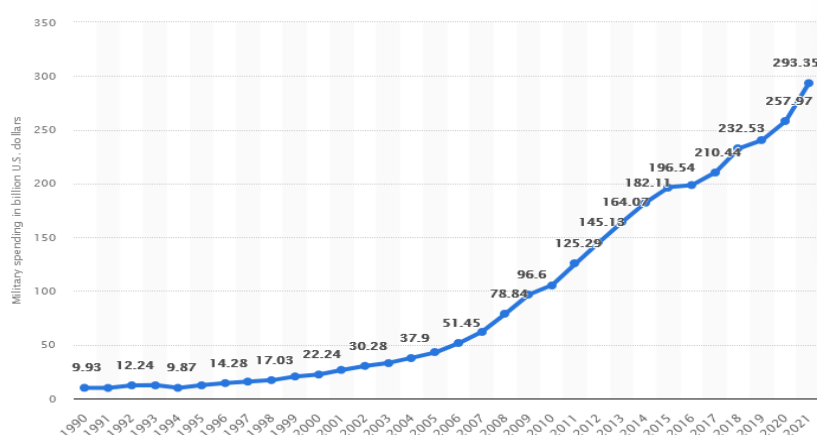
Source: (Scott & Sam, 2020)

ناپلئون^۱ زمانی گفته بود جهان باید مراقب اژدهای خفته^۲ باشد که مبادا بیدار شود (Chan, 2017: 1)، چرا که جهان را شگفت‌زده خواهد کرد. بنظر می‌رسد جهان امروز بیش از هر زمان دیگری شاهد باز شدن چشمان این اژدها از خواب است، لذا چشم‌انداز قدرت متعالی اقتصادی به همراه رشد آهسته در جاهای دیگر ممکن است باعث شود خیلی زودتر از آنچه بسیاری انتظار دارند دنیا از این بیداری اژدها شگفت‌زده شود.

۳-۵. افزایش توان نظامی

از موارد مهم دیگری که در خصوص خیزش چین بر آن تأکید می‌شود افزایش هزینه‌های سالانه‌ی مدرن‌سازی ارتش و قدرت نظامی این کشور است (شکل ۸).

1. Napoleon
2. Sleeping dragon



شکل ۸. تغییرات بودجه دفاعی چین از ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۱

Source: (statista, 2022)

هدف چین از افزایش توان نظامی خود به چالش کشیدن صلح آمریکایی پس از جنگ دوم جهانی است (جعفری و رسول پور نالکیاشری، ۱۴۰۱: ۵۶). هزینه‌های نظامی چین پس از ایالات متحده، در رده‌ی دوم جهان قرار دارد. همچنین بر اساس گزارش انستیتو بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم^۱، هزینه‌های نظامی چین بسیار بیشتر از هزینه‌های نظامی همسایگانش و از مجموع هزینه‌های هند، روسیه، ژاپن، کره جنوبی و تایوان در سال ۲۰۱۹ بیشتر بوده است. این امر نشان دهنده‌ی اولویتی است که پکن برای تقویت نیروهای مسلح خود قائل است. سرمایه‌گذاری پایدار چین در حوزه نظامی، ضمن آن که تعادل امنیتی در منطقه را به نفع پکن تغییر می‌دهد، برتری ایالات متحده را نیز به چالش می‌کشد. چرا که یک چین با اعتماد به نفس‌تر و جسورتر پتانسیل بالاتری برای تغییر وضعیت موجود خواهد داشت. به این ترتیب باید گفت اگرچه تا اوایل دهه ۲۰۰۰ چین خود را در چارچوب نظم آمریکایی تعریف می‌کرد، اما اکنون با تبدیل قدرت اقتصادی به قدرت نظامی، به بازیگری بدل گشته که می‌تواند نظم منطقه‌ای و به‌طور بالقوه قوانین و نهادهای حاکم بر نظام بین‌المللی را شکل دهد. در همین ارتباط طرح شی جین پینگ برای تبدیل

1. Stockholm International Peace Research Institute

چین به قدرت پیشرو جهانی تا سال ۲۰۵۰، تأییدگر این تمایل پکن برای رسیدن به هژمونی مطلق بر کل سیستم بین‌المللی است (Gerwin, 2018: 4).

۴-۵. نفوذ در نهادهای بین‌المللی

دیوید ایگناتیوس^۱ ستون‌نویس^۲ واشنگتن پست^۳ تعبیری جالبی درباره‌ی ظهور و برآمدن چین دارد. او ضمن تحسین ظهور مداخله‌گرایی جدید^۴ با الهام از کنفوسیوس، معتقد است همه‌ی ما اکنون چینی هستیم (Arrighi & Zhang, 2011: 50). در راستای این گسترش نامرئی هژمونی و چینی کردن دنیا، پکن مدت‌ها درگیر یک رشته عملیات بی‌سروصدا برای افزایش جایگاه خود در سازمان‌های بین‌المللی بوده است. این روند به‌ویژه پس از خروج ایالات متحده از چندین سازمان بین‌المللی و کاهش بودجه آن برای برنامه‌های سازمان ملل از سوی رهبران پکن تشدید شد. نتیجه آن که، شهروندان چینی در حال حاضر بیش از یک چهارم از سازمان‌های تخصصی سازمان ملل را در دست دارند. موفقیت این رشته عملیات با واکنش اولیه‌ی سازمان بهداشت جهانی نسبت به همه‌گیری کرونا نشان داده شد، زمانی که این سازمان مواضع رسمی چین را تأیید و در نتیجه واکنش موثر بین‌المللی را به تأخیر انداخت (Connolly, 2020: 9).

خلاصه آن که به موازات عضویت در شورای امنیت سازمان ملل متحد، حضور چین در پیمان‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و نیز همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و شرکت فعال در عملیات‌های حافظ صلح با داشتن بیشترین کلاه آبی‌ها^۵ نسبت به سایر اعضای شورای امنیت، بر نفوذ و تأثیرگذاری این کشور در عرصه جهانی افزوده است. لذا نفوذ و ارتقاء جایگاه چین از مجرای نهادهای جهانی را باید یکی از عوامل تعیین‌کننده در ترسیم نظم مورد نظر این کشور تلقی کرد. نفوذی که از آغاز همه‌گیری، به‌ویژه در سازمان‌های تخصصی سازمان ملل متحد تقویت شده است. به‌طوری که چینی‌ها در این سازمان‌ها موفق به جلب حمایت کشورهایایی که با آنها همکاری‌های اقتصادی دارند شده‌اند، که حمایت از این کشور در دو بیانیه مطرح در

1. David Ignatius

2. Columnist

3. The Washington Post

4. New interventionism

5. Blue helmets [نیروهای حافظ صلح سازمان ملل]

چهل و چهارمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل (۳۰ ژوئن تا ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۰) تنها یک نمونه از نتایج این افزایش نفوذ پکن بوده است (Paszak, 2020).

۵-۵. تصویرسازی وجهی رهبری از خود

چین از همه‌گیری کرونا برای ایجاد وجهه و به حداکثر رساندن برتری خود در نظام بین‌الملل، با ایجاد دوستی‌های معنادار بر پایه‌ی کمک‌های بشردوستانه استفاده کرد (Ameyaw-Brobbe, 2021: 263). در واقع پکن از همه‌گیری کووید-۱۹ به‌عنوان سکوی پرشی برای ایجاد دوستی‌های عمیق‌تر با هدف تقویت دیدگاه‌های خود و تأثیر بالقوه بر نظم بین‌المللی بهره‌برد. مبنای این بهره‌گیری کمک‌های داوطلبانه‌ی چینی‌ها به کشورهای آسیب‌دیده بود (جدول ۶).

جدول ۶. بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان کمک‌ها از چین

گیرندگان	ماسک	ونتیلاتور	کیت تست
سازمان بهداشت جهانی	۱۰۱,۰۰۰,۰۰۰	۰	۱,۰۰۰,۰۰۰
کره جنوبی	۷,۵۸۰,۰۰۰	۰	۰
انگلیس	۵,۱۰۰,۰۰۰	۶۵	۱۰,۰۰۰
اتحادیه آفریقا	۴,۹۰۰,۰۰۰	۵۰۰	۱,۵۲۰,۰۰۰
ایالات متحده آمریکا	۴,۸۲۰,۰۰۰	۲,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰
اتحادیه اروپا	۲,۵۰۰,۰۰۰	۸۰۰	۵۰,۰۰۰
ژاپن	۲,۰۱۴,۰۰۰	۰	۱۲۵,۰۰۰
کشورهای امریکای لاتین	۲,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۴	۴۰۰,۰۰۰
ایتالیا	۱,۷۵۰,۰۰۰	۸۰	۰
فرانسه، اسلونی، بلژیک	۱,۵۰۰,۰۰۰	۰	۰
اندونزی	۱,۳۷۰,۰۰۰	۰	۹۲۰,۰۰۰
بنگلادش	۱,۲۲۷,۵۰۰	۰	۰
روسیه	۱,۲۲۰,۰۰۰	۲۰۰,۰۰۰	۵,۰۰۰

Source: (Geraci, 2020: 42)

از طریق این کمک‌ها، پکن گام‌های مهمی در کشورهایی برداشت که قبلاً نتوانسته بود دوستی بین‌المللی واقعاً معناداری با آنها ایجاد کند. به عنوان مثال یک بررسی بر روی ۳۰ هزار

توثیت شامل کلمات چین و صربستان نشان داد که ۷۱.۹ درصد از محتوای تولید شده، تمجید از کمک چین و دوستی آن با صربستان بوده است (Gaub & Boswinkel, 2020: 9). چین با این کمک‌ها تلاش داشت خود را رهبری مسئول و خیرخواه در سطح جهانی معرفی و با این دیپلماسی توانست قلب و ذهن بسیاری از افکار عمومی کشورها را به تسخیر درآورد. بنابراین کووید-۱۹ در حداقل احتمالاً وضعیت موجود را مختل و آغازگر دوره‌ی جدیدی خواهد بود، دوره‌ای که در آن چین و ایالات متحده بر سر نظم بین‌المللی رقابت می‌کنند، رقابتی که پرورش و حفظ دوستی‌های بین‌المللی یکی از ویژگی‌های اصلی آن خواهد بود (Smith & Tracey, 2020: 250). به این ترتیب شکست آمریکا در رهبری جهانی علیه کووید-۱۹ باعث شد تا چین درک از رهبری این کشور در جهان را به چالش بکشاند (Hamovitz, 2021: 13) و به موازات آن از طریق همکاری با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، خود را کاندیدایی مطلوب و مسئول برای جایگزینی این رهبر معرفی کند. دیپلماسی ماسک^۱ نمونه‌ی اعلی این تصویرسازی رهبران پکن از چهره‌ی خود در دوران کرونا بود.

با توجه به این ظرفیت‌ها که به عنوان محرک پکن برای به چالش کشیدن برتری آمریکا مطرح شد، حالا سؤال آنجاست که آیا چین واقعاً برای رهبری و کسب هژمونی در دنیای پساکرونا آماده است؟ در پاسخ باید گفت حتی با وجود این توانایی‌ها و نیز افول نفوذ آمریکا در سطح جهانی، چین برای رهبری در دنیای پساکرونا با چالش‌های عمده‌ای روبرو است که می‌تواند رسیدن به این آینده را دشوار سازد. از مهمترین این چالش‌های می‌توان به این موارد اشاره کرد؛

۱. از منظر جغرافیایی چین با محدودیت روبرو است. پکن با کشورهای مهمی مانند هند، ژاپن، فیلیپین و ویتنام درگیری دارد که مانع بزرگی برای انجام هرگونه اقدام آزادانه است. بنابراین، با توجه به واقعیت‌های جغرافیایی، رهبری نظم جهانی در دوران پس از کووید-۱۹ برای چین دشوار خواهد بود (Saifullah Akon & Rahman, 2020: 12)؛

۲. فارغ از ارزش‌گذاری میان ایدئولوژی چینی با ایدئولوژی لیبرال-دموکراسی باید پذیرفت که با توجه به حضور و نفوذ گسترده‌ی لیبرال-دموکراسی در جهان، ایدئولوژی چین احتمالاً در پساکرونا مانع مهمی در پذیرش موفقیت پکن و تمایل کشورها به رهبری آن خواهد بود؛

1. Mask Diplomacy

۳. در حوزه‌ی قدرت نرم به عنوان یکی از لوازم تبدیل شدن به هژمون، چین دارای ضعف اساسی است و تلاش پکن در دوران کرونا براساس دیپلماسی ماسک نشان دهنده‌ی درک همین واقعیت از سوی رهبران این کشور بوده که در حوزه‌ی قدرت نرم و نفوذ فرهنگی دچار ضعف هستند؛

۴. همان‌طور که عنوان شد تاکید اصلی چرخه‌ی قدرت بر روی توان نظامی است و در این حوزه حتی با وجود سرمایه‌گذاری چین، این کشور به شدت از ایالات متحده عقب‌تر است؛

۵. تمایل به پرکردن خلاء رهبری جهانی از سوی پکن در دوران کرونا، بیشتر از آن که به توان چین مرتبط باشد به واکنش ضعیف آمریکا به دلیل سیاست‌های خاص ترامپ برمی‌گردد.

بنابراین تعامل مجدد و بازسازی نقش آمریکا برای رهبری جهانی با به قدرت رسیدن بایدن، چالشی عمده بر سر راه چین خواهد بود. با توجه به این چالش‌ها می‌توان اذعان داشت احتمال بسیار کمی وجود دارد که در دنیای پسا کرونا پکن اختلاف ایدئولوژیکی مستقیم با آمریکا بر سر نظم بین‌المللی را دنبال کند (Hussain, 2021: 6)، در نتیجه آمریکا همان‌گونه که تاکنون به سادگی بزرگ‌ترین ابرقدرت تاریخ بوده (Beckley, 2018: 1)، پس از این نیز باقی خواهد ماند. اما این به معنای رخ ندادن هیچ تغییری نیز نخواهد بود، چرا که جهان پس از کووید-۱۹ قطعاً بیشتر از گذشته چین‌محورتر خواهد بود. براین اساس، این سناریو را باید از ده‌های خندان نامید، اصطلاحی که معرف خیزش بیش‌ازپیش چین در نظامی فراآمریکایی است. نظامی که در آن چین اگر چه هنوز برای رسیدن به راس هرم باید تلاش کند، اما در آن شاهد آمریکایی خواهیم بود که مجبور است با چین قدرتمندتر سازگار شود. این سازگاری تعبیر همان ورود چین به مرحله‌ی سوم چرخه‌ی قدرت یعنی مشروعیت‌زدایی است. مرحله‌ای که چین برپایه‌ی ظرفیت‌های بزرگی مانند جمعیت، قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، منابع و مهمتر از همه الگوسازی از خود به عنوان ناجی جهان در دوران کرونا، به آن شکل داد.

نتیجه‌گیری

سال‌های بسیاری از رواج اصطلاح نظم پساآمریکایی می‌گذرد، نظامی که اغلب محققان محور آن را چین تصور می‌کنند. در این میان، ظهور همه‌گیری کرونا و تبدیل آن به یک بحران جهانی و

مهمتر عدم رهبری و نیز شکست آمریکا در این پاندمی، باعث شد تا برخی آن را عامل افول هژمونی ایالات متحده بنامند. لذا در این مقاله تلاش شد تا از منظر سناریونویسی و با اتکاء بر نظر نخبگان علمی روابط بین‌الملل ایران به این سؤال پاسخ داده شود که آیا حقیقتاً کرونا منجر به تغییر جایگاه آمریکا و چین در ساختار نظام بین‌الملل، به معنای سقوط هژمونی واشنگتن و جایگزینی پکن به جای آن می‌شود یا خیر؟. نتایج بررسی نشان داد برخلاف تمام مواضع، سخنرانی‌ها و نشست‌ها که کرونا را عنصری شگفت‌انگیز می‌پندارند، اما بعید است که این بیماری تغییر چشمگیری در توزیع نیروی مادی و در نتیجه سقوط آمریکا و جایگزینی هژمونی چین داشته باشد. به عبارتی همان قدر که پیش‌بینی سقوط هژمونی آمریکا در جهان پساکرونا ساده‌لوحانه می‌نماید، اعتقاد به تبدیل چین به هژمون و ایجاد نظام مطلق مبتنی بر هنجارهای چینی نیز ساده‌انگارانه خواهد بود. به‌واقع، در نظم آینده همان اندازه که چین برنده قطعی نیست، آمریکا نیز بازنده حتمی در زمینه‌ی هژمونی نخواهد بود. البته این به معنای هیچ‌گونه عدم‌تغییری نیز نیست، چرا که پتانسیل‌ها و برنامه‌های پکن برای ایجاد تناسب میان قدرت و نقش خود، زمینه‌ی پذیرش و سازگاری با چین قدرتمندتر را از سوی آمریکا فراهم می‌آورد. این بدان معناست که چین علی‌رغم چالش‌های متعددی که برای ایفای نقش هژمون دارد، اما با توجه به ظرفیت‌های بزرگی مانند جمعیت، قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، منابع و مهمتر از همه الگوسازی از چهره‌ی خود به عنوان ناجی جهان در دوران کرونا به دلیل موفقیت در مهار آن و نیز ایجاد خط دوستی‌های جهانی با اغلب کشورها با بهره‌گیری از دیپلماسی ماسک، وارد مرحله‌ی مشروعیت‌زدایی از نظم به رهبری آمریکا شده است. حالا باید دید آیا رهبران پکن با در نظر گرفتن این افزایش نفوذ خود، تمایل و اراده‌ای برای به پایان رساندن این مرحله و ورود به مرحله نهایی چرخه‌ی قدرت خواهند داشت یا خیر؟، امری که در حال حاضر اگر نگوئیم غیرممکن، اما قطعاً بسیار سخت و پرتنش خواهد بود.

قدردانی

نویسنده بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه خوارزمی تهران و کارگروه علوم انسانی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور که تسهیلات لازم برای انجام این پژوهش را فراهم نمودند و همچنین اساتید محترمی که در بخش کمی پژوهش مشارکت داشتند صمیمانه قدردانی نمایند.

منابع

- ترکی، هادی و قربانی شیخ‌نشین، ارسلان. (۱۳۹۸). چالش نظم نئولیبرال و رویکرد اجماع پکن با تمرکز بر قدرت اقتصادی. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۱(۴۳)، ۱۶۰-۳۳.
- جعفری، افشین و رسول‌پور نالکیاشری، سمیه. (۱۴۰۱). امکان‌سنجی انتقال قدرت در دریای جنوبی چین: خیزش چین در تقابل با هژمونی آمریکا. *فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا*، ۲(۷)، ۸۰-۴۹.
- Akalp, Muhammed. (2020). COVID-19 and International Relations, in: Academic and Scientific Cooperation Project of Turkey (TABIP). Available at: <http://www.covid19.tabipacademy.com/2020/05/05/covid-19-and-international-relations/> [Access 16 September 2022].
- Ameyaw-Brobbe, Thomas. (2021). A critical juncture? Covid-19 and the fate of the US-China struggle for supremacy. *World Affairs*, 184(3), 260-293.
- Arrighi, Giovanni., & Zhang, Lu. (2011). Beyond the Washington Consensus: A New Bandung?. *researchgate.net*. Available at: <https://www.researchgate.net/publication/252076182> [Access 16 September 2022].
- Bahi, Riham. (2021). The geopolitics of COVID-19: US-China rivalry and the imminent Kindleberger trap. *Review of Economics and Political*, 6(1), 76-94.
- Basu, Titli. (2020). Sino-US Disorder: Power and Policy in Post-COVID Indo-Pacific. *Journal of Asian Economic Integration*, 2(2), 159-179.
- Beckley, Michael. (2018). *Unrivaled: Why America Will Remain the World's Sole Superpower*. US: Cornell University Press.
- Bhalla, A. S. (2021). Leadership Challenges and the COVID-19 Pandemic. *Observer Research Foundation (ORF), Occasional Paper*, 299, 1-38.
- Chan, Stephen. (2017). China: When the Dragon Wakes. *E-International Relations*. Available at: <https://www.e-ir.info/pdf/71405> [Access 16 September 2022].
- Christensen, Thomas J. (2020). A modern tragedy? COVID-19 and US-China relations. Available at: http://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2020/05/FP_20200511_covid_us_china_christensen_v3.pdf [Access 16 September 2022].
- Connolly, Gerald E. (2020). the rise of china: implications for global and Euro-Atlantic security. *NATO Parliamentary Assembl*. Available at: <https://www.nato-pa.int/document/2020-pc-general-report-rise-china> [Access 16 September 2022].
- Doran, Charles F. (2000). Confronting the Principles of the Power Cycle: Changing Systems Structure, Expectations, and Way. In *Handbook of War Studies* (pp. 332-368). University of Michigan press.
- Doran, Charles F. (2003). Economics, Philosophy of History, and the Single Dynamic of Power Cycle Theory: Expectations, Competition and Statecraft. *International Political Science Review*, 24(1), 13-49.
- Duggan, Niall & Grabowski, Marcin. (2021). The Influence of Covid-19 on the Power Transition between the United States and China: The Case of Southeast Asia. *Irish Studies in International Affairs*, 32(1), 83-102.
- Farooq, Hassan & Khan, Muhammad. (2020). COVID-19: A Stimulus for reshaping The World Order. *Margalla Papers*, 24(2), 29-45.
- Gaub, Florence & Boswinkel, Lotje. (2020). How Covid-19 changed the future. Luxembourg: the EU Institute for Security Studies.

- Geraci, Matt. (2020). International Development and COVID-19. In U.S.-China Relations in the Age of COVID-19: Politics (pp. 39-51). The Institute for China-America Studies.
- Gerwin, Carolina. (2018). How the rise of China's economic and military power leads to conflict. University College Londone: (EBook)[DOI: grin.com/document/510892].
- Gurtov, Mel (2020). The Coronavirus and China-U.S. Relations, In: Foreign Policy In Focus. Available at: <http://www.fpif.org/the-coronavirus-and-china-u-s-relations/>[Access 16 September 2022].
- Hamovitz, Lior. (2021). Shifting Hegemony: China's Challenge to U.S. E-International Relations. Available at: <http://www.e-ir.info/2021/09/07/shifting-hegemony-chinas-challenge-to-u-s-hegemony-during-covid-19/>[Access 16 September 2022].
- Hussain, Maqsood. (2021). Reimagining the New World Order Post-Covid-19. Qubahan Academic Journal, 1(1), 5-10.
- Ivie, Harrison Mckinney. (2016). the future of world power: An analysis of long cycle theory. bachelor's thesis. US: University of Arizona[DOI: repository.arizona.edu/handle/10150/614137].
- Kissane, Dylan. (2005). 2015 and the Rise of China: Power Cycle Analysis and the Implications for Australia. Security Challenges, 1(1), 105-121.
- Kissane, Dylan. (2008). Forecasting the Storm: Power Cycle Theory and Conflict in the Major Power System. Europolis, 3, 1-33.
- Kohout, Franz. (2003). Cyclical , Hegemonic and Pluralistic Theories of International realation some comparative Reflection on war Realation: some comparative Reflection on. International Political Science Review, 24(1), 51-66.
- Maçães, Bruno. (2020). Coronavirus and the Clash of Civilizations. Hudson Institute. Available at: <http://www.nationalreview.com/2020/03/coronavirus-and-the-clash-of-civilizations/>[Access 16 September 2022].
- Malindog-Uy, Anna. (2020). Power Shift: China's Post-COVID Rise. The Asena Post. Available at: <http://theaseanpost.com/article/power-shift-chinas-post-covid-rise/>[Access 16 September 2022].
- Maude, Richard. (2020). A post-Covid world and the limits of "America first". The Interpreter. Available at: <http://www.lowyinstitute.org/the-interpreter/post-covid-world-and-limits-america-first/>[Access 16 September 2022].
- Mazarr, Michael, Heath, Timothy, & Cevallos, Astrid. (2018). China and the International Order. Calif: Rand Corporation.
- Modelski, George. (1987). Long Cycles in World Politics. UK: Palgrave Macmillan.
- Moon, Chung-in, Jeong, Soo Yeon & Gardner, Samuel. (2021). Cold War Discourse and Geopolitical Flashpoints in Post-Covid-19 Northeast Asia. Journal for Peace and Nuclear Disarmament, 4, 284-307.
- Ning, Yan, Ren, Ran & Nkengurutse, Gerard. (2020). China's model to combat the COVID-19 epidemic: a public health emergency governance approach. Global Health Research and Policy, 5(34), 1-4.
- Office of the Secretary of State. (2020). The Elements of the China Challenge. Available at: <http://www.state.gov/wp-content/uploads/2020/11/20-02832-Elements-of-China-Challenge-508.pdf>[Access 16 September 2022].
- Our World in Data. (2022). Available at: <https://ourworldindata.org/covid-cases>[Access 26 June 2022].
- Paszak, Paweł. (2020). China's Growing Influence in International Organizations. Warsaw Institute. Available at: <http://warsawinstitute.org/chinas-growing-influence-international-organizations/>[Access 16 September 2022].

- Saha, Rushali. (2020). Primed for Competition: US-China Relations in post-COVID World Order. Centre for Air Power Studies. Available at: <http://capsindia.org/wp-content/uploads/2021/10/0f91a114-1376-4562-b944-7ef2848f435c.pdf>[Access 16 September 2022].
- Saifullah Akon, M. D, & Rahman, Mahfujur. (2020). Reshaping the Global Order in the Post COVID-19 Era: A Critical Analysis. *Chinese Journal of International Review*, 2(1), 1-15.
- Sapolsky, Harvey. (2017). Managing Global Security beyond 'Pax Americana'. In *International Relations* (pp. 183-193). E-International Relations.
- Scott, Malcolm & Sam, Cedric. (2020, June 25), Here's How Fast China's Economy Is Catching Up to the U.S. Bloomberg. Retrieved from <https://www.bloomberg.com/graphics/2016-us-vs-china-economy/>.
- Simons, Greg. (2020). The Corona Virus Pandemic and Global Transformations: Making or Breaking International Orders?. *Outlines of Global Transformations: Politics, Economics, Law*, 13(5), 20-37.
- Smith, Nicholas & Fallon, Tracey. (2020). An Epochal Moment? The COVID-19 Pandemic and China's International Order Building. *World Affairs*, 183(3), 235-255.
- Statista. (2022). Estimated expenditure on the military in China in current price s from 1990 to 2021. Available at: <https://www.statista.com/statistics/267035/china-military-spending/>[Access 10 May 2022].
- Statista. (2022). Gross domestic product (GDP) at current prices in China and the United States from 2005 to 2020 with forecasts until 2035. Available at: <https://www.statista.com/statistics/1070632/gross-domestic-product-gdp-china-us/>[Access 19 February 2022].
- Stoynov, Pavel. (2018). Portuguese empire during the period 1415-1663. Bulgaria: Sofia University.
- Thompson, Graeme. (2021). Globalization, Geopolitics, and the U.S.– China Rivalry after Covid-19. *Journal of Applied History*, 3(1-2), 72-94.
- Tocci, Nathalie. (2020). The Covid-19 inflection point in global governance and the European predicament. In *Reforming multilateralism in post-COVID times* (pp. 106-111). Foundation for European Progressive Studies.
- Tze Ern, Benjamin. (2020). China's Strategic Objectives in a Post COVID-19 World. *Prism*, 9(1), 88-101.
- Walt, Stephan. (2018). *The Hell of Good Intentions: America's Foreign Policy Elite and the Decline of U.S. Primacy*. New York: Farrar Straus and Giroux.
- Wang, Zheng. (2020, August 20). Dangers and Opportunities in the Coronavirus Crisis: US - China and China-Japan Relations. *Items*. Available at: <https://items.ssrc.org/covid-19-and-the-social-sciences/covid-19-in-east-asia/dangers-and-opportunities-in-the-coronavirus-crisis-us-china-and-china-japan-relations/>[Access 16 September 2022].
- Yuan, Nansheng. (2020). Reflections on China-US relations after the COVID-19 pandemic. *China International Strategy Review*, 2(1), 14-23.